حادثه‌ها

کشته و زخمی در درگیری فامیلی

● **ایرنا:** فرمانده انتظامی شهرستان باوی گفت: در یک درگیری فامیلی، در یکی از روستاهای دهستان لامی بخش مرکزی اهواز، سه نفر کشته و هشت نفر زخمی شدند. سرهنگ رئیسعلی عبدولی دوشنبه در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: در مراسم دید و بازدید عید فطر، یک نفر با سلاح جنگی پس از ورود به منزل یکی از بستگان خود اقدام به تیراندازی به اقوام خود کرد که در این درگیری سه نفر کشته و هشت نفر نیز زخمی شدند. وی افزود: کشته و زخمی‌های این حادثه همگی مرد هستند که مجروحان به بیمارستان منتقل شده‌اند. سرهنگ عبدولی انگیزه متهم از تیراندازی را اختلافات قبلی بر سر ارث‌ومیراث عنوان کرد و گفت: متهم به قتل درحال‌حاضر متواری است و نیروی انتظامی تلاش برای دستگیری قاتل را آغاز کرده است. براساس این گزارش، حوزه انتظامی دهستان لامی جزء محدوده شهرستان باوی است. سرهنگ محمد صالحی، جانشین فرماندهی انتظامی استان خوزستان، گفت: با تلاش پلیس شهرستان باوی و پلیس آگاهی استان خوزستان قاتل این درگیری خونین در دهستان لامی اهواز در کمتر از هشت ساعت دستگیر شد. وی افزود: قاتل جوانی حدودا ۲۵ساله است که در اهواز دستگیر شد و بلافاصله تحت بازجویی قرار گرفت. وی گفت این فرد در یک عملیات بسیار پیچیده و با تلاش‌های فراوان پرسنل انتظامی یادشده در مخفیگاهش در اهواز دستگیر شد. وی بیان کرد از قاتل یک قبضه سلاح جنگی کشف و ضبط شد.

نجات کارگر ساختمانی از عمق چاه

● **میزان:** نیروهای آتش‌نشانی کارگر ساختمانی‌ای را که در یک ساختمان در حال تخریب به داخل چاه سقوط کرده بود نجات دادند. به گزارش میزان، در پی تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ مبنی بر سقوط کارگر ساختمانی به عمق چاه، آتش‌نشانان ایستگاه ۳ به همراه گروه امدادونجات ۹ به‌سرعت با هماهنگی ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی تهران، ساعت ۱۴ روز گذشته به خیابان ری، خیابان ایران، خیابان شهید مهدوی‌پور رفتند. به گفته رحمان شکری، افسر آماده منطقه پنج عملیات آتش‌نشانی تهران، در قسمت حیاط یک ساختمان دوطبقه در حال تخریب به مساحت تقریبی ۲۰۰ مترمربع یک حلقه چاه برای آزمایش خاک حفر شده بود که کارگر ساختمانی به علت نداشتن حفاظ در دهانه چاه، به داخل چاه سقوط کرده و گرفتار شد. وی در ادامه گفت: نیروهای آتش‌نشانی به محض رسیدن به محل حادثه پس از برپایی کارگاه در دهانه چاه، با استفاده از تجهیزات مخصوص نجات، خود را به کارگر ۱۷ساله تبعه افغان رساندند و وی را به‌سلامت از عمق هشت‌متری چاه خارج کردند.

مرگ تکنیسین اورژانس در حادثه واژگونی آمبولانس

● **میزان:** واژگونی آمبولانس اورژانس شاهرود موجب کشته و مجروح‌شدن دو تکنیسین شد. به گزارش میزان، شب گذشته با اعلام وقوع یک حادثه به اورژانس شهرستان شاهرود، بلافاصله یک دستگاه آمبولانس از پایگاه سوداغلن میامی برای امدادرسانی به محل حادثه اعزام شد. در جریان این مأموریت خودرو اورژانس واژگون شد و متأسفانه صفدر جباری، یکی از تکنیسین‌های اورژانس، در دم جان خود را از دست داد و علی اصغری نیز مجروح شد که به بیمارستان منتقل شد. سرپرست اورژانس کشور با صدور پیامی این حادثه را تسلیت گفت.

مرگ دلخراش کودک ۷ساله

● **رکنا:** پسربچه هفت‌ساله به دلیل سقوط در آب‌های خروشان رودخانه کلاردشت غرق شد. زکریا اشکپور، سخنگوی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی مازندران، در تشریح این خبر گفت: شب دوشنبه خبر این حادثه به مرکز پیام اورژانس غرب استان اعلام شد که همکاران پایگاه اورژانس کلاردشت بلافاصله به محل حادثه در رودبارک کلاردشت اعزام شدند. وی افزود: در این حادثه پسربچه هفت‌ساله به دلیل سقوط در رودخانه و برخورد با دیواره‌های سنگی آن، از ناحیه سر و اندام‌ها دچار آسیب‌های شدید شد و در آب‌های خروشان جان باخت.

تعقیب‌وگریز مرگ‌بار ۲ خودرو

● **رکنا:** نزاع سرنشینان پراید و پژو در سیرجان به تصادف و کشته‌شدن یک نفر و زخمی‌شدن یک نفر دیگر از سرنشینان این دو خودرو انجامید. سرهنگ محمدرضا ایران‌نژاد، رئیس‌پلیس شهرستان سیرجان، گفت: سانحه رانندگی مشکوک خودرو سواری پراید روز گذشته در پی تعقیب‌وگریز با خودرو پژو در خیابان آیت‌الله سعیدی سیرجان رخ داد. وی افزود: در این حادثه یکی از سرنشینان پراید که روی در خودرو نشسته بود در حین حرکت به تابلو راهنمایی و رانندگی برخورد کرد و بعد از صدمه‌دیدن و جداشدن کتف وی به علت خون‌ریزی و جراحات وارده جان باخت. رئیس‌پلیس شهرستان سیرجان اظهار کرد: خودرو پراید به دنبال تعقیب‌وگریز، یکی از سرنشینان پژو را زیر می‌گیرد که منجر به زخمی‌شدن وی می‌شود. وی خاطرنشان کرد: این فرد هم‌اکنون طبق نظر پزشکان در کما به سر می‌برد و در بیمارستان بستری است.

قتل مادرشوهر، راز رابطه عاشقانه را فاش کرد

زن جوان وقتی فهمید مادرشوهرش از رابطه پنهانی‌اش باخبر شده او را به چاهی انداخت

شرق: عروس جوان وقتی فهمید مادرشوهرش به خیانت او پی برده و قصد دارد موضوع را به پسرش بگوید، نقشه قتل او را با همدستی عشق پنهانی‌اش طراحی و اجرا کرد.

به گزارش خبرنگار ما، اسفندماه سال ۸۹ مرد جوانی به اداره پلیس در آبیک قزوین مراجعه کرد و گفت مادرش مفقود شده است. با اعلام این گزارش، مأموران تحقیقات خود را برای پیداکردن زن میان‌سال آغاز کردند. پسر زن میان‌سال به مأموران گفت: مادرم خانه‌دار است. او هرجا می‌رفت و هرکاری می‌کرد به ما خبر می‌داد. از دیروز که برای دیدن اقوام به تهران رفته، به خانه بازنگشته است؛ با هرکسی که می‌شناختیم تماس گرفتیم، اما کسی از مادرم خبر ندارد، آخرین‌بار همسرم او را هنگامی که برای دیدن اقواممان به تهران می‌رفت دیده است. تحقیقات برای پیداکردن سرنخی از این زن آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان داد زن میان‌سال هیچ تماسی با اقوامش در تهران نداشته است و حتی مأموران به این مسئله که او از محل زندگی‌اش دور شده باشد هم مظنون شدند.

پلیس در بررسی‌ها متوجه شد زن میان‌سال از مدتی قبل با یکی از عروس‌هایش درگیری داشته و از راز مگوی عروسش باخبر شده و این مسئله میان آنها اختلاف ایجاد کرده بود. این راز رابطه پنهانی عروس این زن که نرگس نام دارد با مردی غریبه بود. مأموران با اطلاع از این رابطه، عروس جوان را بازداشت کردند، چراکه حدس می‌زدند او از سرنوشت مادرشوهرش باخبر باشد. با بازداشت نرگس که مظنون اصلی مفقودشدن مادرشوهرش بود، تحقیقات وارد فاز جدیدی شد. نرگس که ابتدا منکر خیانت به همسرش و اطلاع از سرنوشت مادرشوهرش شد، پس از بازجویی‌های فنی لب به اعتراف گشود و راز مفقودشدن مادرشوهرش را افشا کرد. او به مأموران جنایی گفت: از زندگی مشترک با همسرم راضی نبودم، برای همین مدتی پیش با مردی آشنا شدم. یک روز که با آن مرد قرار داشتم، مادرشوهرم متوجه رابطه پنهانی ما شد. تازه با این مرد آشنا شده بودم و رابطه چندانی با او

نداشتم، اما مادرشوهرم هنگامی که من را با مرد غریبه دید خیلی عصبانی شد و می‌خواست موضوع را به همسرم بگوید. چندبار به مادرشوهرم التماس کردم که موضوع را به همسرم نگوید. من نمی‌خواستم آبرویم برود و خودم می‌دانستم که کار اشتباهی کرده‌ام و راه‌حل اختلاف با شوهرم این نیست که با مردی غریبه ارتباط داشته باشم، اما مادرشوهرم قبول نمی‌کرد. خیلی ترسیده بودم چون اگر شوهرم بویی از ماجرا می‌برد معلوم نبود چه بلایی سرم می‌آورد و اصلا معلوم نبود چه اتفاقات تلخی در خانواده رخ می‌دهد. من این موضوع را به مادرشوهرم گفتم و از او خواستم با حرف‌زدنش زندگی همه اعضای خانواده را خراب نکند و او باز قبول نکرد. از همسرم و مادرشوهرم می‌ترسیدم، به همین دلیل موضوع را با آن مرد در میان گذاشتم و تصمیم گرفتیم مادرشوهرم را گول بزنیم و به تهران بیاوریمش. من به مادرشوهرم گفتم بیا با هم به تهران برویم، آنجا درباره مشکلی که داریم صحبت می‌کنیم و از بزرگان فامیل کمک می‌گیریم و حتی اگر تو بخواهی من از پسرت طلاق می‌گیرم و می‌روم. اول قبول نمی‌کرد؛ می‌گفت تصمیمش را گرفته است، اما بعد قبول کرد تا با مشورت چند نفر این موضوع را حل کنیم و شوهرم هم از مسئله باخبر نشود و اگر لازم شد من از شوهرم جدا شوم و از زندگی آنها بیرون بروم. بعد از آن بود که او را به تهران کشاندیم و سر قراری که با مرد غریبه داشتم حاضر شدیم و در یک فرصت مناسب مادرشوهرم را در چاهی انداختیم و به‌سرعت از محل دور شدیم.

با به‌دست‌آمدن این اطلاعات، مأموران مردی را که با متهم رابطه داشت و در قتل به او کمک کرده بود بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند. او پس از بازجویی، مأموران پلیس را سر چاهی برد که زن میان‌سال در آن انداخته شده بود. هرچند با کمک مأموران آتش‌نشانی جسد از چاه بیرون آورده شد، اما جسد زن میان‌سال به حدی متلاشی شده بود که حتی پزشکی‌قانونی نیز موفق نشد علت اصلی مرگ را تشخیص دهد. متهمان در ادامه بررسی‌ها داستان‌های متفاوتی از مرگ مقتول روایت کردند و تناقض‌گویی زیادی داشتند، اما پلیس موفق شد با تطبیق اعترافات متهمان و مدارک به‌دست‌آمده پرونده را تکمیل کند. به‌این‌ترتیب پس از تکمیل پرونده، با توجه به شکایت اولیای‌دم و سایر مدارک موجود در پرونده، کیفرخواستی علیه متهمان صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و به‌زودی جلسه رسیدگی به این پرونده برگزار می‌شود و متهمان پای میز محاکمه می‌روند.

دستگیری ۳۰ سال بعد از جنایت

متهم مدعی است زمان قتل نوجوانی بود که پدرش او را از خانه بیرون کرده بود

شرق: مردی که متهم است ۳۰ سال قبل زمانی که ۱۶ساله بوده مرتکب قتل شده است، بالاخره به دام پلیس افتاد و انگیزه‌اش از قتل را مشکلات مالی عنوان کرد. ۳۰ خردادماه سال جاری اخبار و اطلاعاتی در اختیار کارآگاهان پایگاه نهم آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت مبنی بر اینکه مردی که در سال ۶۶ در شهرک احمدیه پیرزنی تنها را به قتل رسانده، شناسایی شده است. فردی که این خبر را به مأموران داد مدعی شد عامل قتل، فردی به نام «جمشید. ر» است و تاکنون کسی از جرمی که او مرتکب شده خبر نداشته است.

با توجه به اهمیت خبر واصله، هماهنگی‌های لازم با رئیس دادگاه بخش آفتاب انجام شد و تحقیقات برای بررسی موضوع در دستور کار کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

کارآگاهان پایگاه نهم آگاهی در اولین مرحله از تحقیقات خود به بررسی صحت و سقم موضوع جنایت پرداخته و اطلاع پیدا کردند که در شهریور ۱۳۶۶، پیرزنی حدودا ۷۰ساله در محل زندگی‌اش به قتل رسیده و پرونده آن جنایت همچنان در اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در حال رسیدگی است.

در بررسی اظهارات خانواده مقتوله مشخص شد که وی در زمان حیات خود با خانواده پسرش زندگی می‌کرده و در زمان وقوع جنایت درحالی‌که نوه چهارساله‌اش خواب بوده، به دست قاتل یا قاتلان به قتل رسیده است.

پسر این پیرزن که پس از مرگ مادرش محل زندگی خود را تغییر داده و به منطقه اکبرآباد رفته بود، دوباره احضار شد تا یک بار دیگر درباره آنچه اتفاق افتاده است، توضیح دهد. او گفت: «سال ۱۳۶۶من به همراه مادر و خانواده‌ام در شهرک احمدیه - خیابان احمد خمینی زندگی می‌کردیم. شهریور ۱۳۶۶ قصد داشتم به همراه همسرم برای شرکت در مراسم ترحیم یکی از بستگان به شهرستان خدابنده برویم و در این مسافرت یک‌روزه دختر چهارساله‌ام را نزد مادرم گذاشتم اما پس از بازگشت از مسافرت بود که با جسد خون‌آلود مادرم که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود، روبه‌رو شدم. از آن زمان تاکنون این پرونده همچنان در حال رسیدگی است. ما نتوانستیم کسی را به‌عنوان مظنون معرفی کنیم چراکه من و مادرم با هیچ‌کس مشکلی نداشتیم».

در ادامه رسیدگی به پرونده، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند که خواهر «جمشید» (متولد ۱۳۵۰) در سال ۱۳۶۶ در همسایگی مقتوله زندگی می‌کرده و دقیقا پس از گذشت چند ماه از زمان وقوع جنایت، اقدام به جابه‌جایی محل زندگی خود و خانواده‌اش کرده است. با شناسایی محل سکونت خواهر جمشید، تحقیقات از وی و خانواده‌اش برای شناسایی محل سکونت جمشید در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت اما آنها مدعی بی‌اطلاعی از وی بودند. در شرایطی که ظاهرا هیچ‌گونه اطلاعاتی از جمشید و خانواده‌اش وجود نداشت، کارآگاهان پایگاه نهم آگاهی با انجام اقدامات پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه «جمشید» در قلعه حاج‌موسی شده و این محل را تحت کنترل و مراقبت نامحسوس پلیسی قرار دادند.

سرانجام در ساعت هشت روز شنبه سوم تیرماه، درحالی‌که جمشید قصد داشت تا با خودرو شخصی‌اش از منزل خارج شود، به وسیله کارآگاهان دستگیر و به پایگاه نهم پلیس آگاهی منتقل شد و در همان تحقیقات اولیه صراحتا به ارتکاب جنایت و قتل پیرزن تنها اعتراف کرد. متهم در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: «حدودا ۳۰ سال پیش با پدرم سر مسائل مالی اختلاف داشتم و پدرم من را از خانه بیرون کرد. من که آن‌زمان فقط ۱۶ سال داشتم، به خانه خواهرم رفتم. حدودا یک ماه در منزل خواهرم زندگی کردم و در این مدت پیرزنی را در همسایگی آنها می‌دیدم که از یک [رأس] بز نگهداری می‌کرد و بنا بر گفته‌های خواهرم، با خانواده پسرش در خانه روبه‌رو سکونت داشت. یک روز خواهرم در مابین صحبت‌هایش گفت که چند روز پیش یک موتوری را دیده که بنا بر گفته وی مبلغ ۳۵۰ هزار تومان پول برای پیرزن آورده است. پس از آن وسوسه سرقت پول‌ها به جانم افتاد تا اینکه یک روز به قصد سرقت وارد خانه پیرزن شدم. [روز جنایت] پیرزن داخل حیاط خانه در حال خردکردن سبزی برای بزش بود که من را دید و پرسید که آنجا چه‌کار می‌کنم؟ که به‌دروغ گفتم دلم درد می‌کند و به این بهانه از او درخواست نبات کردم. پیرزن که به حضور بی‌اجازه من در داخل خانه حیاطشان مشکوک شده بود، گفت نبات ندارد و در ادامه به قصد بیرون‌کردن من از خانه، من را به عقب هل داد. روی زمین افتادم و ناگهان دستم به چاقویی خورد که پیرزن با آن سبزی خرد کرده بود. ترسیده بودم. با چاقو به پیرزن حمله‌ور شدم. نمی‌دانم چند ضربه به او زدم. پس از قتل جسد پیرزن را به داخل خانه کشیدم و شروع به وارسی وسایل داخل خانه کردم اما هیچ پولی پیدا نکردم. به خانه خواهرم برگشتم و پس از تعویض لباس‌های خون‌آلود، با دوچرخه محل را ترک کردم. خواهرم زمانی که متوجه شد پیرزن همسایه‌شان به دست من به قتل رسیده، چند ماه پس از این ماجرا خانه‌اش را فروخت و از آن محل رفت. در این مدت دچار عذاب‌وجدان شدیدی بودم. هیچ‌کدام از کارهایم درست از آب درنمی‌آمد و همیشه گرفتار و بدهکار بودم. هر بار که معامله‌ای می‌کردم، ضرر می‌کردم و مردم به‌عنوان کلاهبرداری از من شکایت می‌کردند». سرهنگ کارآگاه حسین زارع، رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: با توجه به اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت، قرار بازداشت موقت از سوی مقام محترم قضائی صادر و متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت».

اعترافات جوانی که آدم کشت

شرق: جوان افغان که یک سال قبل، مرتکب قتل شده بود و هیچ‌کس از راز او اطلاع نداشت، خود را به خاطر عذاب وجدان معرفی کرد. اوایل هفته جاری، پسر جوانی به کلانتری ۱۴۵ ونک رفت تا راز قتلی را فاش کند. مرد جوان زمانی که مقابل افسر نگهبانی کلانتری ۱۴۵ ونک قرار گرفت، گفت: تابستان سال گذشته زمانی که قاچاقی به همراه ۱۹۹ افغانی دیگر وارد ایران شدیم، با یکی از افغانی‌ها درگیر شدم و او را به قتل رساندم. قتل را در شهرستان سراوان سیستان‌وبلوچستان انجام داده‌ام. به‌دنبال اظهارات پسر جوان، بلافاصله موضوع به کشیک قتل پایتخت اعلام شد و بازپرس جنایی دستور تحقیقات دراین‌باره را صادر کرد. بررسی حاکی از آن بود در جایی که پسر جوان مدعی است جسد هم‌وطن خود را رها کرده، در سال گذشته جسد پسر جوانی که هویتش نامعلوم است، پیدا شده است. همچنین مشخصات جسد کشف‌شده با مشخصاتی که متهم جوان درباره مقتول می‌داد، شباهت زیادی داشت و همین مسئله اظهارات او را تأیید می‌کرد. به‌این‌ترتیب پسر جوان بازداشت و برای تحقیقات به دادسرای جنایی تهران منتقل شد. این پسر که حفیظ نام دارد، زمانی که مقابل بازپرس محسن مدیرروستا، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران، قرار گرفت، بار دیگر به جنایت اعتراف کرد. حفیظ در گفت‌وگو با خبرنگار ما از انگیزه جنایت و نحوه آن گفت.

مقتول را می‌شناختی؟

نه، حتی اسمش را هم نمی‌دانستم. من و او و ۱۹۸ افغانی دیگر برای کار راهی ایران شدیم. از مرز به صورت قاچاقی عبور کردیم. وجه مشترک من و مقتول، افغانی‌بودن و مهاجرت غیرقانونی‌مان بود.

با این حساب، انگیزه‌ات از قتل چه بود؟

بر سر آب. مرداد سال گذشته بود که به ایران آمدیم؛ ما باید از یک قسمت کوهستانی در سراوان عبور می‌کردیم تا به شهرهای دیگر برسیم. هوا گرم بود و همه تشنه بودیم. سر خوردن آب با هم دعوایمان شد و من او را هُل دادم. او هم پایش لیز خورد و از کوه به پایین پرتاب شد.

وقتی مقتول به پایین پرتاب شد از کسی کمک نخواستی؟

پرتاب‌شدنش را خودم دیدم. ارتفاع بیشتر از آن بود که کسی از آن بالا پرتاب شود و جان سالم به در ببرد.

کسی متوجه مرگ او نشد؟

فردای آن روز، در سرشماری مشخص شد یکی کم است. با این تصور که به خاطر پرداخت‌نکردن پول برای مهاجرت غیرقانونی فرار کرده است، به حرکت ادامه دادیم و فقط من در آن جمع بودم که می‌دانستم او فرار نکرده و در دره سقوط کرده است.

بعد از این حادثه چه کاری انجام دادی؟

فردای همان روز به افغانستان برگشتم. می‌ترسیدم کسی از ماجرا باخبر شود و لو بروم.

چه شد که به ایران برگشتی؟

مدام خواب آن روز را می‌دیدم؛ مقتول که از پرتگاه به پایین افتاد و کمک می‌خواست. او دستش را به سمت من دراز کرده بود و از من می‌خواست او را نجات دهم. عذاب وجدان به اندازه‌ای اذیتم می‌کرد که تصمیم گرفتم بار دیگر قاچاقی وارد ایران شوم و واقعیت را بگویم. با خودم گفتم مرگ یک بار، شیون هم یک بار. نمی‌توانستم با این حس زندگی کنم. شاید هرگز لو نمی‌رفتم؛ اما نمی‌توانستم عذاب وجدان را تحمل کنم.

پنج قاره

۱۴۰ پاکستانی حین جمع‌کردن بنزین در آتش سوختند

● **ایرنا:** جمع‌کردن چند لیتر از بنزین ریخته‌شده روی خاک برای اینکه بتوانند کمی سوخت بدون هزینه برای باک موتورسیکلت‌ها و خودروهایشان تهیه کنند، در چشم به‌هم‌زدنی به بهای جانشان تمام شد و ۱۴۰ نفر از مردم پاکستان به استقبال مرگ رفتند. فاجعه‌ای عظیم و هزینه جانی سنگین در شب عید فطر که فقط‌وفقط برای تأمین چند لیتر سوخت رخ داد؛ گویا بوی بنزین رایگان، هوش از سر رهگذران برده بود. واژگون‌شدن یک تریلی تانکر حامل ۲۵ هزار لیتر بنزین در منطقه «احمد پور شرقیه» از توابع شهر «بهاولپور» ایالت پنجاب پاکستان، باعث جاری‌شدن بنزین روی زمین شد و تعداد زیادی از رهگذران برای جمع‌کردن بنزین، بی‌پروا در محل حادثه تجمع کردند با هر وسیله‌ای که دم دستشان بود، حتی کیسه‌های پلاستیکی، شروع به جمع‌کردن بنزین کردند و همه‌چیز مهیا بود تا یک آدم بی‌احتیاط با سیگار روشن به محل حادثه نزدیک شود و آنجا را تبدیل به جهنمی از دود و آتش کند. آنهایی که سرگرم جمع‌کردن بنزین رایگان از روی خاک بودند، اعم از کودک و زن و مرد، در شعله‌های آتش بی‌احتیاطی با چاشنی فقر و گرانی سوخت، گرفتار شدند و جان و جسم خود را سوزاندند. تصاویر منتشرشده از محل وقوع حادثه نشان می‌دهد تعداد زیادی موتورسیکلت و خودروهای کوچک و قدیمی در اطراف تانکر کاملا در آتش سوخته‌اند. از این تصاویر می‌توان دریافت بیشتر کسانی که در این آتش‌سوزی جان خود را به خاطر فقط چند لیتر سوخت از دست دادند، کارگران و افرادی کم‌درآمد بوده‌اند که برای صرفه‌جویی تنها چند صد روپیه، بدون اینکه به خطر فکر کنند، از موتورسیکلت‌ها و خودروها پیاده شده و به دل خطر رفته‌اند. بهای هر لیتر بنزین در پاکستان در زمان حاضر حدود ۷۴ روپیه (حدود دوهزارو ۵۰۰ تومان ایران) معادل حدود هفت‌دهم یک دلار آمریکا (۷۰ سنت) است که برای مردم کم‌درآمد پاکستان رقمی بسیار قابل‌توجهی است.

دزدان دریایی نفت‌کش تایلندی را در آب‌های مالزی ربودند

● **مالای میل آنلاین:** دزدان دریایی با حمله به یک نفت‌کش تایلندی حامل بیش از سه‌میلیون‌و ۸۰۰ هزار لیتر سوخت در آب‌های مالزی، یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تن از محموله این کشتی را سرقت کردند. «پورنچای پینتونگ»، فرمانده نیروی دریایی تایلند، اعلام کرد این حادثه روز جمعه در آب‌های سواحل «کوانتان» مالزی رخ داده است. کشتی این سوخت را از سنگاپور به «سونکهلا» در تایلند منتقل می‌کرد. «پورنچای پینتونگ»، فرمانده نیروی دریایی تایلند، بیان کرد دزدان مسلح شبانه با واردشدن به عرشه کشتی، کاپیتان و ۱۶ خدمه را گروگان گرفتند و سپس نسبت به تخریب تجهیزات ارتباطی اقدام کردند.

برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شهرداری اهواز

شهرداری اهواز در نظر دارد پروژه‌های مشروحه زیر را از طریق مناقصه عمومی به مدت دو سال شمسی به کلیه شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح مناقصه	مبلغ اولیه(ریال)	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۱	نگهداری فضای سبز نواحی ۱و۲ منطقه ۳ (نوبت دوم)	۳۶/۱۲۱/۸۰۸/۲۰۹	۱/۸۰۷/۰۰/۰۰۰
۲	نگهداری فضای سبز نواحی ۳و۴ منطقه ۳ (نوبت دوم)	۳۵/۴۰۹/۲۹۹/۵۹۸	۱/۷۷۱/۰۰۰/۰۰۰
۳	نگهداری فضای سبز نواحی منطقه ۴ (نوبت اول)	۴۶/۹۹۰/۳۵۰/۹۵۴	۲/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	نگهداری فضای سبز نواحی منطقه ۵ (نوبت اول)	۳۷/۱۹۴/۸۵۴/۰۰۴	۱/۸۶۰/۰۰۰/۰۰۰
۵	نگهداری فضای سبز نواحی منطقه ۶ (نوبت اول)	۳۶/۶۲۲/۰۵۹/۰۱۷	۱/۸۳۲/۰۰۰/۰۰۰

- از شرکت‌هایی که شرایط زیر را دارا باشند دعوت به عمل آید، جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی: اهواز- خیابان انقلاب- نبش خیابان غزنوی- ساختمان شماره ۳ شهرداری۰ مدیریت قراردادهای شهرداری(تلفن تماس: ۳۷۷۴۰۶۲-۳۷۹۹۱۶۰) دبیرخانه حراست شهرداری اهواز و یا به سامانه مدیریت قراردادها peymankar.ahvaz.ir مراجعه نمایند.
- الف- گردش حساب یکساله اخیر شرکت‌ها حداقل ۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
-ب- میانگین حساب شش ماهه یا یکساله اخیر شرکت‌ها حداقل ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
-ج- نامه اعتبارسنجی از بانک‌ها به مبلغ حداقل ۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- تبصره۱: ارائه حداقل دو شرط از سه شرط فوق الزامی است.
- درصورت عدم ارائه هرکدام از شرایط بندهای سه‌گانه فوق، می‌بایستی جهت دو بندباقی مانده ، به میزان یک و نیم برابر نصاب اعلام شده ارائه گردد. مثال: اگر شرکتی فاقد معدل حساب باشد، برای شرط گردش حساب، می‌بایست ۷۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای اعتبارسنجی مبلغ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارائه نماید.
- تبصره ۲: اصل صورتحساب‌ها و گواهی‌ها، به نام شرکت ارائه گردد.
- در شرایط یکسان اولویت با پیمانکاران بومی خواهد بود.
- هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- مهلت قبول پیشنهاد نرخ و پاسخ به مناقصه، از تاریخ انتشار آگهی به مدت ده روز است و تحویل در محل دبیرخانه محرمانه حراست مستقر در آدرس فوق‌الذکر می‌باشد.(حداکثر مهلت تحویل پاکت ها ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۶/۴/۱۷ می‌باشد)
- شهرداری در رد کلیه یا قبول هریک از پیشنهادها مختار می‌باشد.
- مبلغ ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه پنج درصد مبلغ اولیه می‌باشد که می‌بایست به یکی از سه طریق ذیل ارائه شود.
-الف- فیش واریز مبلغ فوق به حساب سیبا ۰۲۰۳۹۹۴۳۹۸۰۰۱ شهرداری اهواز نزد بانک ملی به نام شهرداری اهواز
-ب- به صورت ضمانتنامه بانکی به نام شهرداری اهواز و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها
-ج- چک تضمین شده بانکی به نام شهرداری اهواز
- برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
- کلیه شرکت‌های خدماتی، به استناد مصوبه هیئت محترم وزیران به شماره ۲۷۵۰۶/۳۸۳۲۶-۸۱/۹/۵/۵ به هنگام دریافت اسناد مناقصه ملزم به ارائه تعیین صلاحیت معتبر از اداره کل کار و امور اجتماعی(مجاز در کر فعالیت شماره ۵) می‌باشند.
- شرکت‌های غیرخدماتی باید رتبه از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ارائه نمایند.
-ارائه گواهی صلاحیت ایمنی، بهداشت و محیط زیست (HSE) به نام شرکت یا عضو هیئت مدیره شرکت الزامی است.
- هر مناقصه‌گر می‌تواند فقط در یک مناقصه برنده گردد.
- تاریخ برگزاری کمیسیون مناقصه ردیف‌های ۱و۲و۳ در ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۹۶/۴/۱۸ می‌باشد.
- نتیجه کمیسیون برابر مواد ۱۵ و ۱۸ آیین نامه معاملات کلان‌شهرها به برنده اعلام خواهد شد.
- به استناد بند ۵ ماده ۱۱ آیین‌نامه معاملات کلان‌شهرها، میزان تضمین حسن انجام تعهدات قرارداد، معادل ۱۰٪ درصد می‌باشد.
- بر اساس ماده ۱۰ آیین نامه معاملات کلان‌شهرها شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری می باشد.
- به برنده مناقصه پیش پرداخت داده نخواهد شد
- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است

روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری اهواز